

زمینه‌های احساس امنیت اجتماعی زنان دست‌فروش مترو

مریم پسنده^۱، پروین سوادیان^۲، حبیب‌الله کریمیان^۳

از صفحه ۴۷ تا ۷۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: پدیده دست‌فروشی زنان در متروی کلانشهر تهران، که به یکی از اساسی‌ترین معضلات این کلانشهر تبدیل شده است، پدیده‌ی رایجی است که همه‌ی کسانی که از مترو استفاده می‌کنند، آن را مشاهده نموده‌اند. این پژوهش با هدف شناخت و بررسی زمینه‌های احساس امنیت اجتماعی زنان دست‌فروش مترو انجام شده است.

روش تحقیق: برای فهم عمیق‌تر هدف از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی استفاده شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی بود. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته است. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۲۳ نفر از زنان دست‌فروش مترو هستند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: این پژوهش، نشان داد که دست‌فروشی در مترو، شغلی شناخته می‌شود که بسیاری از زنان را از گروه‌های سنی و اقشار مختلف که به هر دلیلی نیازمند به تأمین مخارج زندگی خود هستند؛ در برمی‌گیرد. عوامل مختلفی سبب کشیده شدن زنان به این شغل شده است که برخی از آن‌ها با احساس امنیت اجتماعی زنان در ارتباط است. مقوله‌های اصلی به دست آمده شامل: «تعاملات زنان دست‌فروش مترو»، «نقاب ناشناختگی»، «احساس امنیت یا ناامنی»، «شاغلان دیروز، دست‌فروشان امروز»، «چتر حمایتی زنانه» و «مزیت‌های دست‌فروشی نسبت به مشاغل بیرونی»، حکایت از طیفی بودن زمینه‌های مثبت و منفی در احساس امنیت اجتماعی زنان مترو دارد.

کلید واژه‌ها: زنان، مترو، احساس امنیت اجتماعی، دست‌فروشی.



مقدمه و بیان مسئله

در گذشته، دست‌فروشی زنان تنها مختص زنان فقیر و سرپرست خانواری بود که در بازارهای محلی، هفتگی و برای گذران معاش و تأمین نیازهای اولیه زندگی به فروش محصولات کشاورزی و مواد غذایی می‌پرداختند؛ اما به موازات گسترش این پدیده، دست‌فروشی در بین زنان، دیگر متعلق به قشر تحصیل‌نکرده و طبقات پایین اجتماع و زنان فقیر سرپرست خانوار نمی‌باشد و شاهد افزایش تعداد زنان دست‌فروش با گروه‌های سنی مختلف (از جمله جوانان) در خیابان‌های اصلی شهرهای بزرگ و متروی کلان‌شهرها هستند که کاملاً شیک‌پوشند و از قشر تحصیل‌کرده و دانشجو نیز در بین آن‌ها مشاهده می‌شود (رستمی، ۱۳۹۳، ۴).

در خصوص تعداد و آمار روزانه این دست‌فروشان باید گفت: تعدد دست‌فروشان در متروی شهر تهران به نحوی است که به‌عنوان شهروند و مسافر عادی وارد مترو می‌شوند، و امکان آمارگیری از آن‌ها وجود ندارد و تنها زمانی می‌توان از آن‌ها آمار به‌دست آورد، که با آنان برخوردی صورت گرفته و توسط پلیس مترو یا حراست آماری ثبت شده باشد. با این اوصاف نیز، آمار متغیری در سال‌های مختلف از این قشر اعلام شده است؛ به نحوی که در برخی از پایگاه‌های خبری تعداد آن‌ها در طول روز بیش از دوهزار نفر تخمین زده شده است. زنان دست‌فروش، گروهی نوساخته و متعلق به عصر حاضرند؛ از این‌رو مطالعات کمتری در خصوص آن‌ها، محیط و فضای کاری آنها از جوانب مختلف صورت گرفته است. از سویی در خصوص زنان دست‌فروش مترو و علل افزایش روزافزون آنها دلایل بسیاری را می‌توان مورد بررسی و توجه قرار داد؛ این که چه عوامل و زمینه‌هایی باعث گرایش و تمایل به این شغل زیرزمینی می‌گردد، از موضوعات و مسائلی است که می‌تواند پژوهشگران را بر آن دارد که تحقیقات میدانی بیشتری در این خصوص انجام دهند.

موضوع امنیت اجتماعی از جمله مباحثی است که در سال‌های اخیر مورد توجه محافل علمی و پژوهشی قرار گرفته و دلیل آن هم نقش قابل توجه مقوله امنیت اجتماعی و از آن مهم‌تر بحث احساس امنیت اجتماعی در تهدید و یا تقویت زیرساخت‌های پیشرفت یک اجتماع است.

یکی از مسائل جدی که در حوزه اشتغال زنان مطرح می‌شود، احساس امنیت اجتماعی در محیط کار است که در صورت مخدوش شدن، مشکلات جدی و خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای زنان شاغل ایجاد می‌کند (صادقی فسایی، ۱۳۹۱، ۲). رشد فزاینده مشارکت زنان در اجتماع، عرصه‌های گسترده‌ای را برای کار و فعالیت آنان فراهم نموده است. این فرایند برای آنان فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی به همراه آورده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها احساس عدم امنیت اجتماعی در محیط کار است. زنان در توسعه هر کشوری قسمت مهم و اساسی محیط کار را تشکیل می‌دهند و به سامان اقتصادی جامعه کمک می‌کنند ولی در بیشتر اوقات به نیازهای آنان در محافظت از خود پاسخ داده نمی‌شود. (بنی‌فاطمه، ۱۳۹۷، ۲).

حضور روزافزون زنان دست‌فروش در فضای پر رفت و آمد مترو و این که چه دلایلی باعث گرایش آنان به این شغل شده است، از موضوعاتی است که در لابلای پژوهش‌ها و مصاحبه‌های انجام شده در تحقیقات پیشین مورد بررسی قرار گرفته است. اما موضوعی که برای پژوهشگر حائز اهمیت قرار



گرفته و پژوهش را در این راستا دنبال کرده است، پاسخ به این سوال است که چه زمینه‌های احساس امنیت اجتماعی در بین زنان دست‌فروش مترو تهران وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

بنی فاطمه و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی که در قالب مقاله با عنوان «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در سازمان‌ها و ادارات دولتی شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن» منتشر شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که امنیت اجتماعی زنان شاغل در حد متوسط قرار دارد و از متغیرهایی چون حمایت اجتماعی، آزار جنسی و درآمد تأثیر می‌پذیرد. ابراهیمی‌لویه (۱۳۹۵) نتایج تحقیق خود را در قالب مقاله‌ای با عنوان «بررسی پدیده دست‌فروشی در مترو شهر تهران و راه‌های ساماندهی آن»، منتشر و در آن به دلایل تمایل افراد به دست‌فروشی اشاره نمود و عواملی همچون نابسامانی اشتغال، حجم وسیعی از افراد فاقد مهارت، مهاجرت بی رویه به شهرها، اقتصاد بیمار، سرمایه‌اندک و... را از عمده دلایل گسترش دست‌فروشی (به‌ویژه در متروی تهران) معرفی می‌نماید و از این روی اساساً به بررسی پدیده دست‌فروشی از زاویه دلایل تمایل به آن پرداخته و به پیامدهای حاصله از آن توجهی ننموده است.

رفعت جاه و ربیعی (۱۳۹۵) در «مطالعه تجربه ایفای همزمان نقش شغلی خانوادگی در زنان سرپرست خانوار با تأکید بر زنان دست‌فروش مترو» نشان دادند که نقش‌های مختلف زنان دست‌فروش مترو مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها را در اختیارشان می‌گذارد. داشتن شغل با رشد مهارت‌ها، ایجاد یک چهارچوب زمان‌بندی شده منظم برای زندگی همراه بوده و حتی فشارهای روانی ناشی از برخورد نقش‌ها در آنها را به حداقل رسانده است. یافته‌ها دلالت بر این مسئله دارند که در سطح همین نمونه خاص تعدد نقش تأثیر مخربی بر این زنان نداشته است.

محمدیان مصمم و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی که نتایج آن در قالب مقاله با عنوان «کنکاشی در پدیده دست‌فروشی زنان در متروی کلان‌شهر تهران» منتشر شده است، به بررسی وضعیت زنان دست‌فروش مترو (فقط در خط یک) پرداخته و در آن به بررسی دیدگاه مسافران در مورد دست‌فروشان، ویژگی‌های آنان و علت گرایش دست‌فروشان به این فعالیت پرداخته‌اند و به این پدیده به‌عنوان نوعی اشتغال غیررسمی در میان زنان از دیدگاه اجتماعی پرداخته است.

صادقی فسایی و لاریجانی (۱۳۹۱) مقاله‌ای با عنوان «آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی» نگاشته‌اند و با رویکرد کیفی به بررسی مسئله آزار جنسی در محیط‌های شغلی پرداخته‌اند و آن را تهدیدی برای امنیت اجتماعی زنان شاغل دانسته‌اند که می‌تواند فرصت‌های شغلی مناسب را از زنان بگیرد.

ماهادویا^۱، و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «فروشنندگان خیابان در احمدآباد، هند» انجام دادند؛ در این پژوهش به بررسی وضعیت فروشنندگان خیابان در شهر احمدآباد پرداخته شد و

¹ Mahadevia



پیشنهادهایی نظیر اختصاص دو درصد از زمین‌های عمومی شهر به بازارهای طبیعی برای فروشندگان خیابان، اختصاص بازارهای ویژه برای فروشندگان زن و ... ارائه شد.

مارتا آلترچن^۱ در سال ۲۰۱۳ پژوهشی با عنوان «زن در بخش غیررسمی: تصویر جهانی، جنبش جهانی» در موسسه ویگو انجام داد. وی در این تحقیق به تفاوت درآمدی بین زنان و مردان در بخش غیررسمی اشاره کرد و اذعان داشته است که اکثر زنان در سراسر جهان در این بخش، درآمد کمی دارند.

چارچوب مفهومی

سبقت، امنیت اجتماعی را به معنی حفظ جان، مال، آبرو و موقعیت‌های اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی می‌داند. یعنی از جانب افراد دیگر، سایر گروه‌ها و حکومت و قانون، جان و مال و آبرو و موقعیت اجتماعی فرد مورد تهدید قرار نگیرد. به این ترتیب، امنیت اجتماعی عبارت است از حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی، یا فردی، یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد (سبقت، ۱۳۹۳، ۲۰).

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند؛ یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند. (سبقت، ۱۳۹۳، ۸۴-۸۳) در واقع آنچه باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد، احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آن‌ها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضاء، ازهستی خویش و شناسایی دیگران به‌عنوان بیگانه و خارجی خواهد بود. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال بوجود آمده است و از آن به‌عنوان «ما» یاد می‌کنند به‌طور مثال ما زنان... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس ارزش‌ها و تعلقات گروهی شود؛ تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد.

از سوی دیگر ویور امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند (لاریجانی، ۱۳۶۹، ۹۴). ویور بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تاکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند. به‌طوری که باید قادر به حل اختلالات هویتی باشد و اعضای آن نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می‌کند، احساس مسئولیت نداشته و آن‌ها را تنها به دولت واگذار نمایند. ویور هویت را به‌عنوان مفهوم صریح امنیت اجتماعی قلمداد نموده و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح می‌شود که جامعه یا گروه، تهدیداتی نسبت به هویتش احساس کند (ولی‌پور، ۱۳۸۳، ۸۹۲-۳۹۲).

¹ Martha Alter Chen

زنان به واسطه داشتن نقاط مشترک باهم به معنای عام، یک گروه اجتماعی را تشکیل داده و برای ذات وجودی خود هویت مستقل تعریف کرده‌اند. حال تهدید هویت زنانگی، بنا به نظر آل ویور، تهدید امنیت اجتماعی تلقی می‌شود. اگر امنیت اجتماعی را برای زنان حالتی بدانیم که بتوانند به راحتی در مکان‌های عمومی به رفت‌وآمد، دادوستد و مراودات اجتماعی بپردازند، پس مزاحمت‌های خیابانی، سرفت، تجاوز و حمله و خشونت (کلامی یا جنسی) از تهدیدات اجتماعی است که متوجه هویت خاص زنان می‌شود (بوزان؛ ویور، ۱۹۹۸ به نقل از نبوی، حسین‌زاده، حسینی، ۱۳۸۹).

از نظر فمینیست‌های فرااثباتگرا نبود امنیت اجتماعی چه در بعد عینی و چه در بعد ذهنی برای زنان باعث می‌شود که این گروه اجتماعی از بسیاری از فرصت‌های شغلی مناسب و پردرآمد باز بمانند و جذب مشاغل غیررسمی و فرعی شوند (زرین درفش، ۱۳۹۴، ۴۸). همچنین براساس رویکرد سیستمی نیز نظم و امنیت اجتماعی، تولیدی سیستماتیک است که از درون لایه‌های مختلف سیستم به شکلی درون‌زا معنا و مفهوم عینی و ذهنی پیدا می‌کند. (مجردی، ۱۳۹۱). با توجه به این رویکرد نظری، امنیت اجتماعی، حاصل ایفای نقش‌ها و وظایف هریک از عناصر سیستم اجتماعی است، که در قالب یکپارچگی اجتماعی به صورت یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیستم اجتماعی در جامعه تولید می‌شود. از طرفی بر اساس نظریه طراحی فضای شهری و امنیت اجتماعی، فضاها بر رفتار افراد تاثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار او بکار گرفته شوند. طبق این نظریه، بسیاری از محیط‌های شهری مناسب بانوان ساخته نشده و امنیت اجتماعی آنان را فراهم نمی‌کند؛ مانند فضاهای بی‌دفاع شهری که با امنیت اجتماعی رابطه معکوس دارد. (میرحسینی، ۱۳۹۵، ۹۳).

از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر احساس امنیت اجتماعی زنان دست‌فروش مترو می‌باشد، بهتر است در خصوص مشاغل غیررسمی زنان نیز مباحث نظری نیز آورده شود؛ که از آن جمله می‌توان به نظریه‌های نابرابری جنسیتی در بازار کار اشاره کرد. تقسیم کار به دو دسته کارهای زنانه و مردانه، تقسیم‌ی نابرابر و ناعادلانه است. این مسأله در ایجاد تبعیض شغلی و کشاندن زنان به مشاغل ثانوی (مانند دست‌فروشی در مترو) مؤثر است. نابرابری در کار سبب می‌شود که زنان حقوق کمتری را دریافت کنند و در زمینه آموزش هم مهارت کمتری را فرامی‌گیرند و مشاغل کم اهمیت به آنان اختصاص می‌یابد و این امر سبب می‌شود که از مشاغل تخصصی محروم شوند و دوگانگی در بازار کار رخ می‌دهد (کار، ۱۳۸۰، ۱۶). که همین امر می‌تواند در میزان احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه تاثیر گذار باشد.

روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته و مصاحبه عمیق فردی بود که طی آن شرکت‌کنندگان تجربه زنده خود را از دست‌فروشی در مترو بیان می‌کردند. جریان مصاحبه درباره این تجربه تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. با رضایت برخی از شرکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط و سپس مکتوب و تعدادی که

رضایت در ضبط نداشتند، پس از مصاحبه بلافاصله مکتوب می‌گردید تا در مرحله بعد مورد تحلیل قرار بگیرد. زمان و محل مصاحبه متغیر بوده و چون هیچ یک راضی نمی‌شدند به محل خلوت‌تر و به دور از سروصدا بیایند، در همان مترو و در حین کار زمانی را به مصاحبه اختصاص می‌دادند. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق زنان دست‌فروش مترو شهر تهران بودند که با توجه به عدم تمایل بسیاری از آن‌ها برای شرکت در مصاحبه، تعداد ۲۳ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی انتخاب و با آن‌ها مصاحبه شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان، در قالب جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: مشخصات زنان دست‌فروش مترو

ردیف	نام	سن	محل سکونت	سابقه (سال)	تحصیلات	نوع جنس	وضعیت تأهل
۱	مریم	۲۷	کرج	۱	کاردانی روان‌شناسی	کتاب	مجرد
۲	مینا	۵۰	کرج	۵	بیسواد	لباس زیر	متاهل
۳	راضیه	۴۶	پاکدشت	۵	سوم راهنمایی	جوراب	همسر فوت شده
۴	مهین	۶۷	میدان شوش	۱۶	ششم ابتدایی	جوراب	متاهل
۵	فاطمه	۲۷	کمالشهر	۲	اول راهنمایی	ویفر و بیسکویت	متاهل
۶	شکوفه	۳۸	تهران	۵	لیسانس حسابداری	لوازم زینتی	متاهل
۷	افسانه	۴۷	کرج	۴	دیپلم	لوازم آرایش	مطلقه
۸	مهناز	۵۲	گلشهر کرج	۱۳	اول دبیرستان	روسری و مقنعه	متاهل
۹	نرگس	۵۸	کرج	۸	پنجم ابتدایی	لوازم آرایش	مطلقه
۱۰	شهین	۵۲	کرج	۲	دیپلم	لوازم آرایش	متاهل
۱۱	زهره	۳۰	شهریار	۵.۱	لیسانس کامپیوتر	بدلیجات	مجرد
۱۲	سارا	۲۵	کرج	۶	لیسانس شیمی	لباس زیر	مجرد
۱۳	طاهره	۵۴	ورامین	۷	سوم راهنمایی	بدلیجات	متاهل
۱۴	صدیقه	۵۰	تهران	۱۳	دیپلم	ماسک	متاهل
۱۵	زهرا	۲۸	افسریه	۴	دیپلم حسابداری	سرگل زعفران	متاهل
۱۶	عفت	۶۰	میدان خراسان	۷	پنجم ابتدایی	جوراب	متاهل
۱۷	ستایش	۲۶	یافت‌آباد	۲	فوق لیسانس حسابداری	روسری	مجرد
۱۸	زیبا	۴۰	قرچک	۱۰	دیپلم	رو بالشی	متاهل
۱۹	فهیمة	۴۲	تهران	۷	دیپلم	لباس زیر	متاهل
۲۰	نسرين	۳۵	تهران	۸ ماه	دیپلم	لباس زیر	متاهل
۲۱	عاطفه	۳۷	فردیس	۵	لیسانس	قاب عکس روی تخته شاسی	متاهل
۲۲	نسترن	۳۴	افسریه	۴	فوق لیسانس گرافیک	چای و دم‌نوش	متاهل
۲۳	نسیم	۲۷	تهران	۱۰	دیپلم	کیف	مجرد

یافته‌های تحقیق

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده، از نقل‌قول‌های مرتبط با موضوع احساس امنیت اجتماعی، ۷۴ مفهوم استخراج و مفاهیم در یک گروه به ۱۰ مقوله فرعی و در نهایت با تلفیق مقوله‌های فرعی به ۶ مقوله اصلی تبدیل شد. که گزارش آن به ترتیب در جداول ۲ و ۳ آمده است.

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های فرعی مستخرج از مصاحبه زنان دست‌فروش مترو تهران

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی
۱	مشورت درون‌گروهی با پیشکسوتان رابطه صمیمانه با همکاران احساس تملک شغلی سابقه دارها نداشتن اعتماد به همکاران عدم اعتماد به رابطه دوستانه بین گروهی صمیمیت درون‌گروهی و برخورداری از حمایت گروه به توجه به تازه وارد بودن آموزش چم و خم کار به تازه واردان ضمانت تازه واردان به بازار تعصب داشتن نسبت به تازه واردان کمک تبلیغی برای تازه واردان عدم هراس از رقبای تازه وارد	رابطه درون‌گروهی زنان دست‌فروش
۲	عدم بستر شغلی مناسب زنان تحصیل کرده گرم نبودن بازار برای رشته تحصیلی دانشگاهی اولویت درآمد نسبت به پرستیژ اجتماعی	کسادی بازار کاری زنان تحصیل کرده
۳	استرس شغلی و ترس از شناخته شدن هراس از آبروی خانوادگی تغییر مسیر هراس از شناخته شدن ترس از رفتن آبرو پیش همشهریان هراس از آبروی فرزندان متأهل آبروریزی شغلی پوشش شغلی خلاف واقع (پنهان سازی) پنهان سازی از نزدیکان پوشاندن صورت برای ناشناس ماندن ماسک زدن قبل از کرونا برای ناشناس بودن مهاجرت دلیل امنیت در ناشناختگی انتخاب دورترین مسیر برای ناشناخته ماندن	استرس - نقاب - آبرو
۴	برچسب و انگ منفی جامعه به شغل نگاه منفی جامعه به دست‌فروشی هراس از رسانه ای شدن فرار از شلوغی - احساس حقارت هراس اجتماعی از برچسب منفی جامعه به شغل	هراس اجتماعی از برچسب منفی
۵	محیط زنانه دلیل بر امنیت احساس امنیت و آرامش به علت زنانه بودن محیط احساس امنیت و آرامش داخل قطار	قطار زنان محل امن



ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی
۶	<p>مساعادت مامورین به علت مسن یودن حمایت موردی زنان پلیس در مترو احساس خفت و خواری از درگیری با ماموران ضبط اجناس توسط مأمورین مترو تذکر ماموران مترو توهین کلامی مأمورین مترو برخورد فیزیکی ماموران مترو برخورد خشن ماموران مترو</p>	<p>مواجهه با برخوردهای مامورین مترو</p>
۷	<p>نیاز مالی شوهر و خانواده به درآمد زن رضایت از شغل به دلیل تأمین مخارج زندگی عدم مکفی بودن درآمد بازنشستگی والدین ضعف اقتصاد خانواده- کمک سرپرست اجبار به سرپرستی خانوار بیماری و اجبار به سرپرستی خانوار تنها راه کار کردن - فروشندگی در مترو کار کردن از روی نیاز و اجبار اجبار به کار در جهت حفظ آبرو خانوادگی اجبار به کار در جهت حفظ آبرو عدم سرمایه گذاری شغلی برای آینده در مترو دستفروشی تا زمان جایگزین شدن شغل بهتر تجربه کردن مشاغل و ترجیح به دستفروش شدن</p>	<p>نیاز و اجبار به دستفروشی و تأمین مخارج خانوار</p>
۸	<p>عدم وجود محدودیت تحصیلی کار در مترو عدم وجود محدودیت مهارتی کار در مترو امکان کار با سرمایه اقتصادی اندک نداشتن رییس و آقابالاسر استقلال داشتن دستفروشان انعطاف پذیری ساعات کاری سود خالص- نقد بودن درآمد رضایت از درآمد قابلیت دو برابر شدن درآمد عدم کسورات درآمدی (مالیات-کرایه مغازه)</p>	<p>جذابیتها و مزایای دستفروشی مترو</p>
۹	<p>نگاه جنسی - عدم امنیت در شغل بیرونی قصد سو استفاده جنسی در مشاغل بیرونی نگاه بد کارفرما در شغل بیرونی انتظارات نامشروع در مشاغل بیرونی ساعت کاری زیاد شغل بیرونی بعد مسافت در شغل بیرونی نارضایتی درآمد در شغل بیرونی فریب در عدم پرداخت حق و حقوق شغل قبلی</p>	<p>شرایط نامناسب شغل پیشین</p>



جدول ۳: مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی مستخرج از مصاحبه زنان دست‌فروش مترو تهران

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	ردیف
تعاملات زنان دست‌فروش مترو	رابطه درون گروهی زنان دست‌فروش رابطه دست‌فروشان با مسافران	۱
نقاب ناشناختگی	استرس -نقاب-آبرو هراس اجتماعی از برجسب منفی	۲
احساس امنیت یا ناامنی	مواجهه با برخوردهای مامورین مترو قطار زنان محل امن	۳
شاغلان دیروز، دست‌فروشان امروز	شرایط نامناسب شغل پیشین کسادی بازار کاری زنان تحصیل کرده	۴
چتر حمایتی زنانه	نیاز و اجبار به دست‌فروشی و تامین مخارج خانوار	۵
مزیت‌های دست‌فروشی نسبت به مشاغل بیرونی	جذابیت‌ها و مزایای دست‌فروشی مترو	۶

تحلیل یافته‌های تحقیق

در این قسمت نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان در قالب مقوله‌های اصلی پژوهش بر اساس مبانی جامعه‌شناختی، تحلیل می‌شود.

۱- تعاملات زنان دست‌فروش مترو

در مبانی نظری تحقیق گفته شد که امنیت اجتماعی از نظر بوزان مجموع ویژگی‌هایی است که افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر تاجفل در مورد هویت اجتماعی افراد معتقد است: افراد برحسب قرارگیری در موقعیت‌ها و گروه‌های اجتماعی متفاوت و ارزشی که جامعه به آن‌ها می‌دهد، هویت خود را تعریف و تعیین می‌کنند؛ بر اساس دیدگاه‌های فوق و همچنین دیدگاه ویور که به ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتش را جستجو می‌کند؛ می‌توان این‌گونه بیان کرد که زنان دست‌فروش نیز ممکن است با توجه به موقعیت و گروه شغلی خود یعنی دست‌فروشی و رابطه اجتماعی با سایر همکاران دست‌فروش و مسافران و دیگر افرادی که به واسطه شغل دست‌فروشی با آنان تعامل دارند، هویت اجتماعی خود را تعریف و نسبت به آن دارای احساس مثبت یا منفی باشند. هویتی که در راستای امنیت اجتماعی تعریف می‌شود. داشتن طیفی از احساس در فضای گروهی و اجتماعی، خود تعیین‌کننده احساس امنیت اجتماعی مثبت یا منفی است؛ که همین امر را طی مصاحبه‌های صورت گرفته به شکل زیر می‌توان بیان کرد:

الف) رابطه درون گروهی زنان دست‌فروش

براساس نظریات فمینیست‌های فرائباتگرا، امنیت اجتماعی در گروه‌های شغلی زنان چه از نظر عینی و چه از نظر ذهنی باعث احساس امنیت یا عدم امنیت اجتماعی می‌گردد، ازاین‌رو زنان



دست‌فروش مترو با توجه به روابط درون‌گروهی (رابطه بین شخصی با سایر زنان دست‌فروش) و بین‌گروهی (رابطه با مأموران و مسافران) احساسات متفاوتی (مثبت و منفی) نسبت به امنیت اجتماعی خود دارند.

در این زمینه، به طیفی از روابط مثبت و منفی درون‌گروهی بین زنان دست‌فروش مترو برخورد شد، که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: رابطه صمیمانه با همکاران و مشورت درون‌گروهی با پیشکسوتان، تعصب داشتن به تازه‌واردان و آموزش چم و خم کار به آنها، نداشتن اعتماد به همکاران، و عدم اعتماد به رابطه دوستانه بین گروهی. در زمینه روابط درون‌گروهی، همه زنان دست‌فروش با بیان تعهدات درون‌گروهی و دوستی‌های بین شخصی خودشان، از احساسات مثبت و وجود حس امنیت اجتماعی و تعلقاتی که به گروه خود داشتند سخن می‌گفتند. این احساسات را می‌توان در صحبت‌های مریم این‌گونه شنید: «رابطه همکاریمان با دیگر زنان دست‌فروش خوب است و با یکدیگر سلام و علیک داریم و همدیگر را درک می‌کنیم». راضیه: «رابطه همکاری‌مان خوب است و اگر در ایستگاهی طرح جمع‌آوری دست‌فروشان باشد سریع همدیگر را مطلع می‌کنیم تا کسی در آن خط رفت و آمد نکند».

از آنجایی که در هر شغلی رقابت و وجود رقیبان می‌تواند باعث احساس ناامنی شغلی شود، اما تعامل بین دست‌فروشان تازه وارد و با تجربه مورد توجه قرار گرفت که؛ با توجه به فضای وسیع مترو و میزان جمعیت در رفت و آمد در هر روز این امکان را به تعداد زیادی از فروشندگان می‌دهد که نگران رقابت و کساد بازار خود نشوند. همین امر باعث می‌گردد احساس همدردی و همراهی نسبت به تازه‌واردان به وجود آمده و در جهت آموزش چم و خم کار و حمایت آن‌ها و در اختیار قرار دادن تجربیات برآیند. که این خود در احساس امنیت شغلی آنان موثر می‌باشد.

نمونه‌هایی از آن؛ گفته‌های نرگس با سابقه بالا (۸ سال) در دست‌فروشی در مترو است: «فروشنده‌های تازه وارد برای داشتن فروش بیشتر با من مشورت می‌کنند و یکی دو بار هم برای خرید اجناس، آن‌ها را به مغازه‌های داخل بازار معرفی کرده‌ام»، راضیه: «رابطه خوبی هم با تازه‌واردها دارم و اگر در ایستگاهی ببینم که از طرف مأموران یا مسافران دست‌فروشان مرد، برایشان مزاحمت ایجاد کرده‌اند، از تازه‌واردها طرف‌داری می‌کنم» و صدیقه: «رابطه خوبی با همکارانم دارم و چون جزء با سابقه‌ها هستم، بقیه همکاران و مخصوصاً کسانی که تازه کارشان را شروع کرده‌اند، هر جا در کارشان به مشکلی برخورد کنند برای حل آن با من مشورت می‌کنند».

در طرف دیگر این طیف محدودی از فروشندگان قرار دارند که رابطه مثبت و صمیمانه‌ای با همکاران‌شان ندارند و آسیبی که از سوی همکاران‌شان دیده‌اند باعث احساس ناامنی آنان شده است، در این زمینه به گفته‌های مهنازو فاطمه می‌توان اشاره کرد. مهناز که با وجود سابقه بالا در مترو، یک بار روسری‌هایش توسط همکارش به سرقت رفته و به همکارانش اعتماد ندارد؛ می‌گوید: «همه همکاران خوب نیستند و نمی‌شود به آن‌ها اعتماد کرد» و فاطمه: «چه تازه وارد و چه قدیمی، هر کدام از ما برای خودش کار می‌کند و خیلی با هم صمیمی نیستیم، چون به همکاران هم زیاد نمی‌توانیم اعتماد کنیم».

ب) رابطه دست‌فروشان با مسافران

در زمینه روابط بین گروهی نیز به دسته‌ای از احساسات مثبت و منفی و ترکیبی از آنها در بین زنان دست‌فروش مترو و مسافران برمی‌خوریم. دسته‌ای که نقش موثری در احساس امنیت اجتماعی زنان دست‌فروش دارند. این موضوع را می‌توان بر اساس رویکرد انگ‌زنی که توسط هاروارد اس بکر^۱ (۱۹۶۳) بیان شده است، توضیح داد. نظریه انگ‌زنی، یک نظریه فرایندی مسلط است و دلیل آن، توجه این نظریه به شیوه تحقق برچسب زدن است (جانسون^۲؛ ۲۰۰۱، ۲۰). زنان دست‌فروش مترو با توجه به برخوردهای مسافران با خود احساس مثبت و منفی دارند و از اینکه برچسب‌های متفاوت و منفی و تحقیرآمیز در جامعه به آن‌ها زده می‌شود؛ احساس ناامنی اجتماعی می‌کنند. آنان از این که توسط خانواده و جامعه مورد قضاوت قرار می‌گیرند احساس ناامنی می‌کنند و با مخفی‌کاری از نزدیکان خود تا حدودی سعی بر دور شدن و مصون ماندن از این نوع برچسب‌ها می‌نمایند. در این خصوص می‌توان اشاره کرد به گفته‌های فاطمه: «مسافران، خیلی از بالا به پایین و با فخر به ما نگاه می‌کنند و اذیت می‌شوم از این طرز نگاه کردن آن‌ها، یه جوری که انگار ما گدا هستیم بهمون نگاه می‌کنند». و افسانه: «برخورد مردم متفاوت است و بعضی از آنها خیلی خوب برخورد می‌کنند؛ اما بعضی دیگر با ما دعوا می‌کنند، آنها فکر می‌کنند ما آدم‌های بدبخت و نداری هستیم، گاهی نگاهشون به ما مثل زنان خیابانی است».

۲- نقاب ناشناختگی

مسلماناً نوع شغل در جایگاه اجتماعی و شخصیت افراد تأثیرگذار است. هر شخصی در هر جایگاهی بنا بر شغلی که دارد شخصیت خود را شکل می‌دهد. از آن جایی که در فرهنگ بسیاری از جوامع، دست‌فروشی را از مشاغل کاذب و غیررسمی می‌دانند و نگاه فقیرانه‌ای به آن‌ها دارند؛ از این رو افرادی که به هر دلیلی وارد این شغل می‌شوند خود را در معرض قضاوت دیگران می‌دانند و بسیاری از آنها از این قضاوت و باور هراس دارند. اما از سویی به دلیل اجبار و نیاز و فقدان بستر مناسب شغلی به خصوص برای زنان، گاهی مجبور به دست‌فروشی می‌شوند. نظریه برچسب‌زنی هربرت مید نیز در این رابطه نشان می‌دهد که مردم برچسب‌ها را از دیگران و رفتارهایی که نشان می‌دهند، اخذ می‌کنند. هر فرد آگاه است که چگونه توسط دیگران مورد قضاوت قرار می‌گیرد، زیرا او بارها به نقش‌ها و کارکردهای گوناگون در تعامل‌های اجتماعی مبادرت کرده و در نتیجه قادر به ارزیابی واکنش‌های آن‌هاست. زنان دست‌فروش نیز از این قضاوت‌ها آگاهی دارند و بارها خود شاهد حرف‌های ناخوشایند در خصوص شغل و خودشان بوده‌اند. در تحلیل نظریه برچسب‌زنی، وایت و هینز برچسب‌ها را به دو دسته غیررسمی و رسمی تقسیم می‌کنند (وایت و هینز^۳، ۱۳۸۶، ۱۸۵). برچسب رسمی به وسیله افراد حرفه‌ای و مقامات اجرایی و برچسب غیررسمی توسط خانواده و دوستان زده می‌شود (دانز، رابرتسون و هریسون^۴، ۱۹۹۷). و از آن جایی که برچسب‌های غیررسمی

¹ Howard S. Becke

² Johnson

³ White, R. D. & Haines, Fiona

⁴ Downs, R. W., & Robertson, J. F & Harrison, L. R.



تأثیر بیشتری نسبت به برچسب‌های رسمی دارند (لیو^۱، ۲۰۰۰، ۴۹۹) در میان زنان دست‌فروش مترو شاهد احساس ناامنی اجتماعی به دلیل هراس از برچسب‌های غیررسمی هستیم.

در این زمینه می‌توان اشاره نمود به گفته‌های راضیه: «کار کردن در مترو برای مردم بد جا افتاده است و هنوز نگاه مردم به دست‌فروشی خوب نیست.»، زیبا: «مسافران، اصلاً خوب برخورد نمی‌کنند و با نگاه‌هایشان احساس حقارت می‌کنم.»، نرگس: «نسبت به شغل ما نگاه خوبی در جامعه وجود ندارد. و بارها شنیدم ما را بدبخت می‌دانند.» و فاطمه: «حالت نگاه کردن مسافران، من را آزار می‌دهد و اذیت می‌شوم از این طرز نگاه کردن آن‌ها.»

باورهای کلیشه‌ای یا قالبی مربوط به زنان به شیوه‌ای دیگر بر ساختار روانی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این باورها برداشت‌هایی بیش از حد ساده و جانبدارانه از واقعیت است که نسبت به گروه خاصی اطلاق می‌شود. این تصورات اغلب لحنی منفی دارد و با نگرش‌های تعصب‌آمیز و یا تبعیض رفتاری آمیخته است. همین باورهای اجتماعی باعث می‌شود بیشتر زنان دست‌فروش مترو از دیده شدن توسط دوستان و آشنایان خود هراس داشته باشند و به قول یکی از این زنان، «یکی از ترس‌های همیشگی زنان دست‌فروش از دست دادن آبرویشان است». آن‌ها معتقدند دیده شدن در حال دست‌فروشی در مترو، فقر و نداری آن‌ها را در میان آشنایان آشکار می‌سازد و شأن و منزلتشان را کاهش می‌دهد. از این رو بسیاری از آنان به دلیل ترس از آبرو و شناخته شدن توسط دوستان و آشنایان چهره خود را می‌پوشانند یا در مسیرهایی فعالیت می‌کنند که بیم دیده شدن توسط آشنایان برایشان به حداقل برسد. این مسأله دغدغه ذهنی اکثریت زنان دست‌فروش مترو بوده و با اینکه در میان خود شغل‌شان را کاملاً شرافتمندانه و با افتخار می‌دانستند؛ اما همچنان از نگاه حقیرانه به خود هراس و احساس ناامنی اجتماعی داشتند. در این خصوص به صحبت‌های زیبا استناد می‌شود: «از روز اولی که به مترو آمدم برای اینکه دوست نداشتم کسی من را بشناسد، روسری‌ام را جلوی صورتم می‌پوشاندم، الان هم که کرونا آمده باماسک صورتم را می‌پوشانم.»

بسیاری از زنان دست‌فروش برای این که توسط دوستان و آشنایان و گاهی فرزندان خود دیده و شناخته نشوند، مسیر خود را دورتر انتخاب می‌کردند که این نگرانی را در خود به حداقل برسانند. سارا در این زمینه می‌گوید: «یک بار یکی از همکلاسی‌های سابقم من را اینجا با وسایلم دید، که احساس خیلی بدی داشتم و یک لحظه احساس کردم تمام وجودم یخ زده و خیلی سریع خطم را عوض کردم» یا زیبا که به خاطر پرداخت وام جهیزیه دخترش در مترو دست‌فروشی می‌کرد می‌گوید: «اگه خانواده دامادم کسی من را در حال دست‌فروشی ببیند و به دخترم سرکوفت بزنند» و مینا که از بیم این که دوستان دخترش او را ببینند مسیر خود را به کرج انتقال داده است: «دخترم، اصلاً دوست ندارد کسی من را در این کار ببیند و به خاطر بچه‌ام هم که شده متروی تهران نمی‌روم.»

¹ Liu

هراس اجتماعی از برچسب منفی جامعه به خصوص دوستان و نزدیکان در تعداد زیادی از زنان دستفروش باعث بالا رفتن استرس و ترس از آبرو و مهم‌تر از همه پوشاندن هویت ظاهری و در واقع تلاش برای ناشناخته ماندن شده است. ناشناخته ماندن و زدن نقاب بر چهره خود دلیل محکمی است که در خصوص احساس منفی نسبت به امنیت اجتماعی زنان دستفروش مترو قابل مشاهده می‌باشد.

۳- احساس امنیت یا ناامنی

حضور روزافزون دستفروشان به خصوص زنان در فضای مترو کار مأموران را بیش از پیش سخت می‌نماید و از آنجایی که فضای اقتصادی جامعه اجازه ایجاد بسترهای مناسب‌تری برای این دستفروشان را نمی‌دهد از این‌رو دچار سردرگمی در وظایف خود می‌گردند. هرازچندگاهی دستورات تحکمی مبنی بر جمع‌آوری دستفروشان صادر می‌گردد که موجب تنش و ناآرامی در فضای مترو شده و مأموران را وادار می‌کند که در مقابل مردم رفتارهای خشونت‌آمیز با دستفروشان داشته باشند و پس از مدتی این دستورات بار روانی نامناسبی را ایجاد می‌کند و احساس امنیت اجتماعی را به‌سوی حسی منفی در بین دستفروشان می‌گرداند و برخی از مسافران نیز از برخورد آنان در جامعه‌ای که ضعف اقتصادی وجود دارد معترض می‌شوند؛ همین امر باعث می‌گردد، روند پیشگیری و جلوگیری را کند و راکد گرداند.

الف) مواجهه با برخوردهای مأمورین مترو

زنان دستفروش به صورت روزانه با انواع خشونت‌های فیزیکی، روانی، جنسی و مالی مواجه می‌شوند و سیاست‌های قهری مسئولان شهری در خصوص دستفروشی، این خشونت‌ها را شدیدتر می‌کند. به گفته خود این زنان بحران‌های اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی و فشارهایی که مأموران شهرداری به دستفروشان بساط‌گستر در خیابان می‌آورند باعث شده آن‌ها زیرزمین را به روی زمین ترجیح دهند و در مترو امنیت بیشتری احساس کنند و بر اساس آنچه که در آرای بوزان آمده است، هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه شود، هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آنان قلمداد می‌گردد. این امر ممکن است منجر به سرکوب آزادی عمل و ممنوعیت فعالیت کاری در زنان دستفروش و ایجاد احساس ناامنی در آنان شود. همین امر نیز در فضای مترو نیز می‌تواند صادق باشد. از آنجایی که وجود نظم اجتماعی و احترام به قوانین و مقررات از ضروریات حیاتی هر جامعه است. مأموران و پلیس مترو در راستای نظم‌دهی به محیط مترو و پیشگیری از هرگونه هنجارشکنی و اعمال مجرمانه و همچنین جلوگیری از سدمعبر اقدام به فعالیت می‌نمایند. وجود مأموران و پلیس در مترو مانند چاقوی دو لبه می‌باشد که از سویی باعث احساس مثبت امنیت اجتماعی می‌شوند و زنان از این‌که در فضای مترو در امان بوده و از هر تعرضی مصون می‌باشند؛ و پلیس و مأموران با متخلفین و کسانی که باعث آزار زنان دستفروش مترو می‌شوند برخورد قهریه خواهند داشت، و از سوی دیگر برای ایجاد نظم و امنیت باعث ناامنی فعالیت زنان دستفروش مترو



می‌شوند و آنان همواره با هراس مواجهه با مأموران در حال فعالیت می‌باشند، که خود احساس منفی امنیت اجتماعی دست‌فروشان را در بر دارد.

نرگس: «پارسال، یکی از مأموران مترو، من را کتک زد و ۲ روز بیهوش بودم و بخشی از صورتم آسیب شدیدی دید»، راضیه: «برخورد برخی از مأموران با ما خیلی بد است و به ما فحش می‌دهند و بی‌احترامی می‌کنند»، نرگس: «مأموران مترو خیلی رفتار بدی با ما دارند و کیف‌هایمان را می‌کشند و وسایلمان را به هم می‌ریزند». سارا: «برخورد مأموران اصلاً مناسب نیست و هیچ وقت فکر نمی‌کردم روزگرم به این خفت برسد که با مأموران مترو سر اجناسی که تمام سرمایه‌ام است درگیر شوم.» نمونه‌هایی از این نقل قول‌ها است.

از سویی دیگر زنان دست‌فروش از مساعدت برخی از مأموران سخن می‌گفتند که این نیز خود طیفی بودن تعاملات مأموران مترو با دست‌فروشان را می‌رساند. زهره در رابطه با کمک مأموران می‌گوید: «چند وقت پیش یکی از همکاران آقا برام مزاحمت ایجاد می‌کرد که به مأموران گفتم و اون‌ها هم باهش به شدت برخورد کردند و دیگر در مسیر من پیداش نشد».

ب) قطار زنان محل امن

شاخصه «زنانه بودن» محیط کسب‌وکار یکی از عوامل اصلی است که بسیاری از زنان به دنبال آن هستند، چرا که از هر گونه آزار و پیشنهادات نامشروع در امان می‌باشند. دلیل انتخاب بسیاری از زنان دست‌فروش نیز همین امر عنوان می‌شود. نقل‌های زیر نمونه‌هایی از آن است؛ نرگس: «هر جا کار پیدا می‌کردم شوهرم ایراد می‌گرفت که محیطش مردونس اما مترو را به خاطر زنونه بودن فضایش ایرادی نگرفت، خودم هم اینطوری خیلی راحت‌تر هستم.» و سارا: «جاهای زیادی کار کردم و همیشه با مردها و پیشنهاداتشون مجبور به ترک کارم می‌شدم اما در مترو واقعا امنیت دارم و همه مشتری‌هایم خانم‌ها هستند، کار کردن در مترو را به کار کردن در محیط‌های دیگر ترجیح می‌دهم».

احساس امنیت برای زنان در فضای مترو در واگن‌های زنانه قابل درک است و گرنه همین احساس در واگن‌های مردان کاملاً بر عکس می‌باشد. یکی از دست‌فروشان جوان که نام خود را بیان نکرد این‌گونه در مورد امنیت واگن‌ها می‌گوید: «من همیشه در واگن بانوان اجناسم را می‌فروشم، یکبار از سر کنجکاو رفتم در واگن آقایان. فکر کردم برای همسر یا دوست دخترشان خرید می‌کنند اما اینقدر اذیتم کردند و به بدنم دست زدند که تا چند روز گریه می‌کردم. فکر می‌کردند من دنبال رابطه جنسی هستم. دوستم گفت فکر می‌کنی چرا هیچ کدام از زنان به واگن مردانه نمی‌روند؟ فکر می‌کنی مشتری اجناسشان نیستند؟ زنان ترجیح می‌دهند در دو واگن ابتدا و انتهای قطار با مشتری‌های بسیار کمتر کار کنند تا با آزار مردان مواجه نشوند».

از طرفی زنان دست‌فروش در واگن‌های مترو خود را ایمن از نوع برخوردهای تند مأموران مترو می‌دانند. صدیقه: «مأموران مترو، برخوردشان زیاد خوب نیست و ما با بی‌احترامی صحبت می‌کنند و فقط وقتی در قطار هستیم از دست آنها درامانیم و کاری با ما ندارند».

۴- شاغلان دیروز، دست‌فروشان امروز

با وجود آن‌که با باز شدن فضای فرهنگی و دانشگاهی، سطح تحصیلات در جامعه زنان افزون‌تر شده و توقعات و انتظارات زنان برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی بالاتر رفته، اما زنان نتوانسته‌اند سهم خود را از بازار کار کشور بگیرند؛ به نحوی که با داشتن توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بالایی که در حوزه‌های مختلف از خود نشان داده‌اند، آن‌چنان که باید به سهم شایسته‌ای از بازار کار دست نیافته‌اند. به نظر می‌رسد که تغییر نوع نگاه به زنان و وجود نگاه سنتی و محدود برخی سیاست‌گذاران نسبت به مقوله اشتغال و فعالیت زنان از جمله موانع اصلی مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی باشد. از سوی دیگر متأسفانه سهم زنان و احساس امنیت اجتماعی در بازار کار گم شده و دلایل متعددی از جمله تبعیض در محیط کار، ساعات کار طولانی، نبود امنیت شغلی، دستمزد کم و شرایط نامناسب کار موجب شده تا بازار کار در چند سال اخیر با بی‌میلی زنان برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو شود که این امر در کاهش سهم اشتغال زنان بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر وجود مشکلات اقتصادی نیاز به کار کردن زنان را از بین نبرده و آنان را وامی‌دارد که به دنبال شغلی باشند که کمترین آسیب و مشکل را در برداشته باشد. این زنان به گفته خود دست‌فروشی در مترو را برگزیدند؛ چرا که با وجود منزلت اجتماعی پایین، اما بسیاری از مسائل مشاغل دیگر را ندارد و راحت‌تر می‌توانند درآمد داشته باشند. افسانه: «قبل از این که به مترو بیایم در یک کارخانه داروسازی اطراف کرج منشی بودم. هم خیلی دور بود و هم حقوق خیلی کم می‌داد.» و شکوفه: «قبل از اینکه در مترو کار کنم، در یک شرکت منشی بودم، اما حقوقم کافی نبود و ساعت‌های زیادی را هم در محل کار بودم» نمونه‌هایی از این نقل قول‌ها است.

الف) شرایط نامناسب شغل پیشین

مهمترین دلیل که زنان شاغل علت استعفا و ترک شغل خود می‌دانستند، مسأله عدم امنیت در مشاغل بیرونی بود. قصد سوء استفاده جنسی، نگاه‌های خریدارانه کارفرماها و مسئولین و مدیران در محل کار و پیشنهادهای مختلف در این خصوص و شرط بقای شغل را تن دادن به خواسته‌های آنان می‌دانستند. بسیاری از زنان اعم از مجرد و مطلقه پس از آن که پیشنهادهای بی‌شرمانه تن‌فروشی به آن‌ها داده و تن نداده بودند، مورد آزارهای مختلف قرار گرفته و مجبور به ترک محل کار خود شده بودند.

سارا: «قبلاً فروشنده مغازه بودم، اما به‌خاطر اینکه امنیت نداشتم و صاحب کارم چشم بد به من داشت...»، زهره: «نگاه کارفرماها خوب نبود و قصد سوء استفاده جنسی داشتند و هر طور که دلشان می‌خواست رفتار می‌کردند؛ برای همین نتوانستم به کار ادامه بدهم» و افسانه: «قبلاً در یک شرکت منشی بودم و زمانی که مدیر آنجا فهمید مطلقه هستم به من پیشنهاد صیغه شدن داد، و وقتی قبول نکردم با بدرفتاری‌ها و بی‌ادبی‌هاش به نوعی مجبور شدم از کارم استعفا بدهم» نمونه‌هایی از آن است.



بعد مسافت و ساعت کاری زیاد با دستمزد اندک دلیل بارز دیگری بود که زنان شاغل را مجبور به ترک شغل کرده است. از آنجایی که بسیاری از زنان دستفروش دارای تحصیلات و حرفه و مهارت نبودند، بیش تر در مشاغل خدماتی کار می کردند و همین امر آنان را به مسافت های طولانی سوق می داد و باعث سختی بسیار و نارضایتی و ترک کار شده بود. افسانه: « قبل از این که به مترو بیایم در یک کارخانه داروسازی اطراف کرج منشی بودم. هم خیلی دور بود و هم حقوق خیلی کم می داد.»

نکته حائز توجه دیگر، دستمزد اندک و نابرابر در اغلب محیط های کاری بود که خود عاملی است که زنان دستفروش مترو شاغل دیروز به آن اشاره می کردند. شغل دستفروشی هرچند مشکلاتی دارد و منزلت اجتماعی اش پایین است اما حداقل از نظر درآمد دارای امنیت نسبی و رضایت بخش تر از دیگر مشاغل است. زهره: « قبل از این که در مترو دستفروشی کنم، جاهای مختلفی کار کرده ام؛ اما حقوقشان کافی نبود.» و مریم: « چون معلم قراردادی بودم و حقوق کم بود، از آموزش و پرورش خارج شدم.» نمونه هایی از آن است.

از سوی دیگر نادیده گرفتن حقوق کاری در زنان شاغل و سوء استفاده از عدم آگاهی و فریب صاحب کاران بسیاری از زنان که عمر خود را در یک شغل گذرانده بودند پس از این که مطالبات خود را طلب کرده بودند؛ راه به جایی نبرده و مجبور به ترک شغل و دستفروشی مترو شده بودند. شهین می گوید: « قبل از اینکه به مترو بیایم ۲۵ سال در مطب یک دکتر کار کردم، اما زمانی که فهمیدم کارفرمایم (دکتر) فقط ۱۲ سال سابقه بیمه برای من رد کرده، از آنجا بیرون آمدم و در مترو مشغول به کار شدم.»

ب) کسادی بازار کاری زنان تحصیل کرده

موانع موجود بر سر راه اشتغال بانوان باعث افزایش روز به روز تعداد زنانی می شود که در مشاغل غیررسمی فعال هستند. زنان تحصیل کرده گرایش به بازار کار دارند، اما در بسیاری از موارد شغلی به دست نمی آورند. از طرفی در حوزه های رسمی نیز محدودیت هایی وجود دارد که مانع از استخدام آن ها می شود. در نتیجه بانوان تن به برخی محرومیت ها می دهند تا شغلی برای خود دست و پا کنند. همین مسأله موجب می شود تا زنان به مشاغل غیررسمی پناه ببرند. در بسیاری از موارد این نیاز به کار، نه تنها تفننی نیست بلکه برای گذران زندگی آن ها بسیار مهم و حیاتی است. مریم: « کاردانی روان شناسی دارم بازار کار رشته ام خیلی گرم نیست.»، سارا: « بازار کار برام نیست چند جا هم کار کردم به خاطر نبود امنیت برام ترک کردم و به مترو اومدم.» و ستایش: « بعد از کلی درس خواندن با داشتن مدرک کارشناسی ارشد، چون بازار کار رشته ام اصلاً خوب نیست، در مترو دستفروشی می کنم. این شد عاقبت اون همه درس خوندن» نمونه هایی از آن هستند.

۵- چتر حمایتی زنانه

عوامل بسیاری به عنوان دلایل مؤثر در این که زنان به مشاغل غیررسمی و دارای منزلت اجتماعی پایین رو بیاورند وجود دارد، که در یافته های پژوهش به بسیاری از آنها اشاره شد. نابرابری در حقوق و مزایا، نابرابری در فرصت ها و پیامدهای نابرابر سیاست های تعدیل ساختاری، زنانه شدن

بخش غیررسمی اقتصاد و محرومیت زنان از امتیازات اشتغال رسمی، کسادى بازار زنان تحصیل کرده و زنانه شدن فقر برای زنان سرپرست خانوار یا زنانی که به اجبار بیماری همسر یا بد سرپرستی مسئولیت مخارج زندگی بر دوششان افتاده است، راهی جز دست‌فروشی در مترو نیافته‌اند و در واقع دست‌فروشی در مترو را تنها راه نجات و کسب درآمد دیده‌اند و پناهگاهی برای تأمین مخارج خود یافته‌اند.

الف) نیاز و اجبار به دست‌فروشی جهت تأمین مخارج خانوار

ادبیات پژوهش‌های موجود درباره فقر نشان می‌دهد همواره مردان و زنان تجربه‌های متفاوتی از فقر دارند. اما واژه زنانه شدن فقر در ابتدا در طی افزایش نسبت زنان سرپرست خانوار آمریکا در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد. (شالچی و عظیمی، ۱۳۹۸، ۱۱۷). سرپرست خانوار، کلید تبعیض جنسیتی و در نتیجه تأکید مهمی بر آزمون موضوعات فقر و جنسیت است. در نظریه زنانه‌شدن فقر، فقر مالی و داشتن درآمد، از مهم‌ترین شاخص‌های فقر است (شالچی و عظیمی، ۱۳۹۸، ۱۱۹). از سوی دیگر با توجه به موضوع احساس امنیت اجتماعی می‌توان به نظریه آمارتیا سن^۱ با فقر قابلیت، اشاره کرد؛ که توجه ما را به عوامل غیرمادی نظیر: عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جلب می‌کند. آمارتیا سن، جنسیت را یکی از محرومیت‌های پایداری می‌داند که زنان همواره از آن برخوردارند و همین نکته، برداشت ذهنی آنها از رفاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تلقی‌های محدود و انفعالی از خود، دامن می‌زند. کسب درآمد، امکان اشتغال، حق مالکیت و امکان تصمیم‌سازی در درون خانواده جنبه‌های مهم آزادی زنان هستند. محروم بودن زن از آنها محروم کردن او از نقش‌آفرینی و عاملیت است (میروسی نیک، ۱۳۹۴، ۱۷).

اما در شرایط کنونی، پیامد افزایش این نوع خانواده‌ها، فزونی فقر و آسیب‌پذیری اجتماعی و شیوع بالای فشارهای روانی در جامعه و افزایش زنان شاغل به‌ویژه زنان سرپرست خانواری که برای گذران زندگی در مترو به دست‌فروشی می‌پردازند، در مناسبات اجتماعی آشکار می‌شود. زنانی که جبر زمانه نقش آنان را افزایش داده و علاوه بر ایفای نقش خود به‌عنوان یک زن، باید نقش نان‌آور خانواده را نیز به دوش بکشند. از طرفی از جنبه‌های مهم آزادی با وجود نقش‌آفرینی سرپرست خانوار همچنان محروم است. مهین: «شوهرم ورشکسته است و مستأجر هستیم؛ خودم سرپرست خانواده هستم و خرج خانه و کرایه خانه را از طریق دست‌فروشی می‌دهم. اما اینو بگم هنوز تصمیم‌گیری‌ها تو خونه با شوهرمه. علاوه بر آن خودم هم سرطان سینه دارم و باید به‌نحوی پول داروهایم را تأمین کنم و همه این مخارج را از طریق دست‌فروشی در مترو می‌دهم». راضیه: «شوهرم فوت شده است و برای ادامه زندگی و تأمین هزینه تحصیل پسر، در مترو دست‌فروشی می‌کنم». رنگ و بوی اجبار به کار و وضعیت اقتصادی ضعیف در اکثریت زنان دست‌فروش مترو موج می‌زد و هر یک قصه‌ای برای خود دارد و گاهی از این‌که چتر حمایتی‌ای یافته بودند که شرم‌نده

¹ Amartya Kumar Sen

خانواده و فرزندان خود نشوند احساس رضایت داشتند و در واقع احساس ذهنی این زنان در امنیت داشتن در اجتماع و در فضای مترو احساسی مثبت بود.

۶- مزیت‌های دست‌فروشی نسبت به مشاغل بیرونی

اطلاعات موجود نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه اکثریت زنان فعال اقتصادی، در بخش غیررسمی مشغول‌اند. بخش غیررسمی برای زنان در مقایسه با مردان شغل بیشتری ایجاد می‌کند. در بسیاری از کشورها نسبت زنان کارگر در بخش غیررسمی بیش از مردان است، (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴، ۱۰۸) چرا که اکثر زنان شاغل در بخش غیررسمی برای کمک به وضع اقتصادی خانواده، خواسته یا ناخواسته هر شغلی را حتی با دستمزد کم می‌پذیرند. در واقع زنان به دلیل احساس مسئولیت نسبت به اعضای خانواده خواستار کمک به کسب درآمد خانواده هستند و اغلب آنان به دلیل کمبود فرصت اشتغال در بخش رسمی وارد بخش غیررسمی می‌شوند. به علاوه اغلب آنها فاقد تحصیلات و مهارت‌های لازم برای اشتغال در بخش رسمی هستند. عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارند که زنان را مجبور به اشتغال در بخش غیررسمی و مشارکت در سایر فعالیت‌های کم درآمد می‌کند (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴، ۱۰۹). این نظریات را می‌توان در خصوص زنان دست‌فروشی که فاقد هرگونه مهارت و تحصیل و شرایط کار در مشاغل رسمی هست، بیان کرد. اما از طرفی دیگر با زانی برخورد داشته که تجربه مشاغل رسمی را نیز دارند و اما طبق نظر دایان السون^۱ در بحث توسعه، مورد بی‌توجهی و غفلت در جهان و کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرند. بی‌توجهی به نقش زنان در کشورهای در حال توسعه، نه تنها موجب محرومیت جامعه از تلاش و توانمندی‌های این قشر از نیروهای اجتماعی در فرآیند تحقق توسعه می‌شود، بلکه موجب می‌شود که به دلیل تغییرات اجتماعی به وجود آمده این قشر از جامعه به دلیل فقدان زمینه ایفای نقش مفید، مسیر غیرمناسب و بی‌ثمری را در جامعه طی کنند. (ناطق پور، ۱۳۸۵، ۲۲). و در واقع آنان نیز به بخش غیررسمی روی آورند.

موضوع بسیار حائز اهمیت که باعث ترک شغل بسیاری از زنانی که در بخش رسمی مشغول بودند، شده است؛ مسأله عدم احساس امنیت جنسی بوده است. ریسکن و پاداویک^۲ معتقدند که فشارهای جنسی در محیط کار از سوی کسانی اعمال می‌شود که در موقعیتی بالاتر قرار گرفته‌اند و زنان بیشتر از مردان احتمال دارد که آماج آزارهای جنسی قرار بگیرند. آنان معتقدند که نابرابری در قدرت، آزار جنسی را تسهیل می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا مردان در محیط کار موقعیتی برتر را اشغال می‌کنند و آزار جنسی برای مردان سوء استفاده‌گر پدیده‌ای بسیار عادی است (نواح، ۲۰۰۸، ۱۲۲). به نقل از صادقی فسایی و لاریجانی، ۱۳۹۰، ۱۱۵). مصاحبه از زنان شاغل دیروز نیز همین امر را تأیید می‌کند که فشارهای جنسی از سوی کارفرماها و مدیران، فضای ناامنی را برای آنها ایجاد و مجبور به ترک محل کار خود شده‌اند.

¹ Diane Elson

² Reskin & Padavic



با توجه به نظرات گفته شده دلیل افزایش روزافزون زنان دستفروش مترو، مزیت‌هایی است که این شغل نسبت به مشاغل دیگر در بیرون از مترو دارد. در بین صحبت‌های زنان دستفروش به مزیت‌های بسیاری اشاره می‌شد که شاید کمتر در مشاغل دیگر وجود داشت و در واقع احساس ذهنی و عینی امنیت اجتماعی در این شغل را علت گرایش بیش از حد زنان به دستفروشی در مترو می‌دانستند. در زیر تعدادی از جذابیت‌ها و مزایای دستفروشی در مترو را بیان می‌شود:

الف) دستمزد مکفی

زنان شاغل بر اساس شواهد تجربی و تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف عمدتاً در مشاغل عمومی که دارای دستمزد کمتری هستند متمرکز گردیده‌اند (گیدنز، ۱۹۸۹، ۲۰۸؛ به‌نقل از رستمی، ۱۳۹۳، ۴۴-۴۳).

دستمزد اندک و نابرابر در اغلب محیط‌های کاری عاملی است که زنان دستفروش مترو تهران هم به آن اشاره می‌کنند. این که شغل دستفروشی هر چند مشکلاتی دارد و منزلت اجتماعی‌اش پایین است اما حداقل از نظر درآمد رضایت‌بخش‌تر از دیگر مشاغل است و همچنین با کم و زیاد کردن زمان و فعالیت و مهارت در تبلیغ و ... می‌توانند درآمد خود را افزایش دهند و براساس نیاز خود قابلیت تغییر دارد. نقل‌های سکینه: «از درآمد راضی هستم و ماهانه بین ۲ تا ۴ میلیون تومان درآمد دارم. و به نسبت کارم میتونم درآمد رو تغییر بدم.» و زهرا: «خدا را شکر نسبتاً راضی هستم. به اندازه‌ای کار می‌کنم که بتونم اندازه کرایه خونه در بیارم.» نمونه‌هایی از آن است.

ب) عدم لزوم پرداخت بالاسری و فقدان کارفرما

نگاه دیگری به درآمد زنان دستفروش در این است که، تمام سود حاصل از فروش برای خودشان بوده و پرداخت بخشی از درآمد به کارفرما را در این شغل ندارند و این موضوع بسیار رضایت‌بخش می‌باشد. راضیه و مهین می‌گویند: «اجناسم را هر روز از بازار بزرگ می‌خرم و در مترو می‌فروشم.» و فروشندگانی که اذعان می‌دارند: «اجناسمان را که با سرمایه خودمان و نقدی از بازار می‌خریم و در مترو می‌فروشیم و کل سود هم برای خودمان هست.»

مزیت دیگری که می‌توان در خصوص دستفروشی بیان کرد، نداشتن کارفرما، مسئول و مدیر و یا هر مرجعی است که نیاز به پاسخگویی بدان باشد. فقدان کارفرما از نگاه دیگر باعث مصونیت زنان از فشار پیشنهادها و آزارهای جنسی نیز می‌شود؛ و در واقع به گفته خود فروشندگان نداشتن آقابالاسر و استقلال کامل در کار یکی از مزایای شغل دستفروشی در مترو به شمار می‌آید. عفت: «از این که لازم نیست به کسی جواب پس بدهم و بازخواست بشوم خیلی راضیم.» و مریم: «هر جا کار می‌کنی باید تن و بدنت بلرزه که کارفرما حرفی بهت نزنه و درخواست بی‌شرمانه بهت نده، اما اینجا کسی به کسی کاری نداره.» نمونه‌هایی از این نقل‌ها است.

ج) عدم نیاز به سرمایه اولیه بالا

امروزه برای راه اندازی مشاغل مختلف نیاز به سرمایه می‌باشد و حتی اجاره یک دکه کوچک نیازمند پرداخت اجاره‌بها است. مترو فضایی را ایجاد کرده است که دستفروشان به‌صورت سیار و بدون پرداخت هیچ‌گونه کسورات درآمدی به کار خود مشغول شوند و روزانه فقط با خرید یک بلیط



وارد محل کار خود شوند، همین امر یکی از دلایل جذابیت این شغل می‌باشد. افسانه: «به خاطر این که پول برای اجاره مغازه نداشته‌ام و در مترو هم نیازی به پرداخت کرایه و مالیات ندارم، اینجا دست‌فروشی می‌کنم»، زهرا و صدیقه: «تا زمانی که بتوانیم پولی برای اجاره یک مغازه پس‌انداز کنیم، اینجا کار می‌کنیم.» و عصمت: «لیف و اسکاچی را که خودم در طول مسیر از میدان حسن‌آباد کاموای آن را می‌خرم، در مترو می‌بافم و می‌فروشم.» نمونه‌هایی از این نقل‌ها هستند.

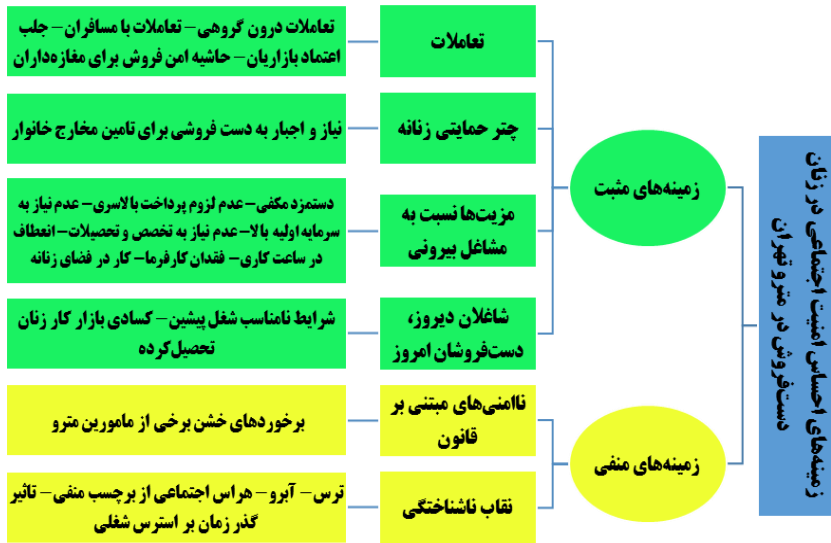
د) عدم نیاز به تخصص و تحصیلات

از نگاهی دیگر امروز ورود به هر شغلی دارای شرایط بسیاری است و همین امر باعث می‌گردد صف‌هایی برای ورود به مشاغل ایجاد شود. محدودیت‌های تحصیلی و مهارتی و همچنین آزمون‌های استخدامی و در نهایت نداشتن یک رابط و معرف شانس ورود به کار را دشوار ساخته است. مزیتی که بسیار از فروشندگان مترو بدان اشاره داشتند، فقدان محدودیت در ورود به دست‌فروشی در مترو بود. شغلی که از هر قشر و سن و تحصیلاتی می‌توانند وارد آن شوند و هیچ‌گونه سفارش و رابطی نیاز نمی‌باشد، و تنها یک اراده کافیست. نقل‌های عفت: «بعد از یک مدت که دیدم سود کارم خوب است و همان لحظه پولم را می‌گیرم و خیلی راضیم از این که با بی‌سوادی خیلی راحت درآمد دارم.» و آذر: «الهی شکر، همین که بی‌منت دیگران روز را شب می‌کنم و دستم جلوی کسی دراز نیست. از کارم راضی هستم بدون هیچ پارتی و پولی اومدم و کار می‌کنم.» نمونه‌هایی از آن است.

ه) انعطاف در ساعت کاری

یکی از جذابیت‌های کار در مترو که بسیاری از زنان دست‌فروش از آن به خوبی یاد می‌کردند، انعطاف در ساعات کاری و استقلال در آن بود. در کمتر شغلی ساعت کاری تعیین نمی‌شود و افراد می‌توانند به راحتی در هر زمانی که خود تشخیص می‌دهند به محل کار خود بروند. قابلیت انعطاف در ساعت کاری با توجه به طولانی بودن کار مترو از ابتدای صبح تا ساعات پایانی شب، این امکان را به فروشندگان می‌دهد در هر روز و زمان که خود می‌خواهند اقدام به کار نمایند. صدیقه: «خیلی از کارم راضی هستم؛ چون اختیارم دست خودم است و زمانم دست خودم است و راحت می‌توانم بچه‌هایم را حمایت (سپورت) کنم» و طاهره: «از این بابت که ساعت کارم دست خودم است و مجبور نیستم به کسی جواب پس بدهم و اختیارم دست خودم است خیلی راضی هستم.» نمونه‌هایی از این ابراز رضایت را دارند.

پژوهش حاضر با هدف درک تجربه زیسته زنان دستفروش مترو درباره زمینه‌های احساس امنیت اجتماعی به بررسی نگرش‌ها و احساسات و تجربه ۲۳ نفر از زنان دستفروش مترو می‌پردازد. فمینیست‌های اثبات‌گرا، طیفی از احساسات مثبت و منفی را متوجه امنیت اجتماعی می‌دانند. شش مقوله اصلی به‌دست آمده از مصاحبه‌ها را می‌توان مرتبط با با این دو دسته احساس دانست. این تقسیم‌بندی در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱: زمینه‌های احساس امنیت اجتماعی دستفروشی زنان در مترو

بوزان مراودات اجتماعی را از جمله زمینه‌های مثبت احساس امنیت می‌دانند. نتایج این تحقیق نیز متناسب با این نظریه تعاملات دست‌فروشان را با گروه همکاران، مسافران، بازاریان و مغازه‌داران در احساس مثبت امنیت اجتماعی مؤثر دانسته است. پژوهش حاضر چتر حمایتی زنانه را جهت تامین مخارج خانوار برای زنان مسئول تامین مخارج خانواده از زمینه‌های مثبت احساس امنیت اجتماعی معرفی کرده است که این برداشت با یافته‌های رفعت‌جاه (۱۳۹۵) هم‌راستا است. از طرفی مزیت‌های دستفروشی زنان در مترو زمینه مثبت احساس امنیت اجتماعی برای آنان معرفی شده است. این زمینه‌ها با نتایج تحقیق بنی‌فاطمه و همکاران (۱۳۹۵) هم‌سو است. نابسامانی‌های مشاغل خارج از این محیط برای مغازه‌داران و کاسبان دیروز و نیز زنان و دختران تحصیل کرده شرایطی ایجاد کرده است که امنیت شغلی و اجتماعی خود را در قبال دستفروشی در مترو دیده‌اند. این موضوع با نتایج تحقیق ابراهیمی لویه (۱۳۹۵) و صادقی فسایی (۱۳۹۱) هم‌خوان است. برخی از زنان دستفروش مترو، از شناخته شدن در آن محل هراس دارند و به همین دلیل از نقابی موسوم به نقاب ناشناختگی استفاده می‌کنند. از طرفی حضور مأموران مترو و برقراری نظم و



امنیت، زمینه‌ای دو لبه برای امنیت اجتماعی زنان دست‌فروش مترو به‌شمار می‌آید. از سویی احساس مثبت ایجاد امنیت اجتماعی در مقابل هرگونه تعرض ناشی از حضور آنان و از سویی اعمال قوانین زمینه‌ای برای ایجاد نظم در مترو، احساس ناامنی شغلی برای آنان ایجاد می‌کرد و خشونت‌ها و برخوردهای مأموران در خارج در واکنش‌های زنان، امنیت را از آنان تا حدودی سلب می‌کرد. مزیت‌هایی چون عدم خشونت‌های جنسی علیه زنان، درآمد مکفی، فقدان کارفرما و حق بالاسری، عدم کسورات قانونی، انعطاف در ساعت کار، عدم نیاز به تخصص و مهارت خاص، منطبق با پژوهش‌های بنی‌فاطمه (۱۳۹۱)، ابراهیمی لویه (۱۳۹۵)، رفعت‌جاه (۱۳۹۵) و صادقی فسایی (۱۳۹۱)، محیط مترو را به فضایی امن برای زنان دست‌فروش تبدیل کرده است؛ و زمینه‌های مطلوبی را در جهت احساس امنیت اجتماعی نسبت به بسیاری از مشاغل بیرونی را فراهم ساخته است.

پیشنهاد‌های کاربردی

بر مبنای نتایج تحقیق و برای ارتقای مؤلفه‌های مختلف احساس امنیت اجتماعی زنان دست‌فروش متروی تهران و سایر افراد و مشاغلی که متأثر از آن‌ها می‌باشند پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

۱- نتایج مصاحبه‌های انجام شده با مصاحبه‌شوندگان در تحقیق، نشان داد که در مواردی، امنیت زنان دست‌فروش مترو توسط مأموران و پلیس مترو و بعضی از مسافران و دست‌فروشان مرد مترو، با تهدیداتی مواجه شده است، توجه به مبحث امنیت و آسیب‌های احتمالی دیگری که در کمین زنان دست‌فروش مترو می‌باشد، به مسئولین پیشنهاد می‌شود.

۲- بر مبنای مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد که بسیاری از زنان دست‌فروش به دلیل این که، باید مالیات‌ها و اجاره‌های سنگینی را برای واحدهای صنفی خود بپردازند، از فعالیت در آنها امتناع می‌ورزند و حضور در مترو را برای فروش اجناس خود ترجیح می‌دهند. از اینرو پیشنهاد می‌شود دولت با ایجاد غرفه و واحدهای فروش سازمان‌یافته و گرفتن مالیات متعادل از این افراد، نه تنها این دست‌فروشان را به نوعی سازماندهی کند، بلکه بر فعالیت‌های آن‌ها نیز نظارت‌های لازم را داشته باشد.

۳- اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده با مصاحبه‌شوندگان، نشان داد که تعداد زیادی از زنان دست‌فروش مترو، زنان سرپرست خانواری هستند که به دلیل طلاق، فوت یا از کار افتادگی همسر برای امرار معاش و تأمین هزینه‌های زندگی به دست‌فروشی در مترو مشغول شده‌اند. در این زمینه به مسئولین پیشنهاد می‌شود که با اعطای وام و تسهیلات کارآفرینی و فراهم کردن بازارچه‌های دایمی و تعبیه مناطقی در نزدیکی مترو برای استقرار آنها، علاوه‌بر حفظ شأن دست‌فروشان، با کاهش تراکم این قشر، در راستای تأمین آرامش مسافران مترو گام بردارند.

۴- نتایج تحقیق حاکی از ناخرسندی برخی از مسافران مترو از حضور و تردد دست‌فروشان در فضای محدود واگن‌ها است. این مسافران علت ناخرسندی خود را ایجاد سروصدای اضافی ناشی از



تبلیغات دست‌فروشان و نیز مزاحمت آن‌ها به‌واسطه تردد زیاد در محدوده واگن‌هاست. البته کل ناظران بیرونی شامل مسافران و مأموران و پلیس مترو از لزوم پالایش چهره مترو از حضور بی‌رویه دست‌فروشان نیز سخن به میان آورده‌اند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود طرح ساماندهی زنان دست‌فروش به‌صورت جدی در دستور کار مسئولین شهری قرار گیرد. ساماندهی به‌مفهوم ایجاد سازوکار مناسب برای فعالیت این گروه از دست‌فروشان است نه صرفاً اقدام قهری با آن‌ها یا برخورد به‌طور کلی سلبی که منجر به حذف این افراد از فعالیت اقتصادی گردد. به‌نظر می‌رسد مسئولین شهری باید به این گروه از دست‌فروشان نگاه صنفی خاصی داشته باشند تا بتوانند با استفاده از حمایت‌های دولتی و بیمه به ساماندهی وضعیت آنان بپردازند و از بی‌هنجاری و بی‌نظمی در این خصوص جلوگیری نمایند.



- ابراهیمی لویه، عادل و اقبال، ابراهیم. (۱۳۹۵). بررسی پدیده دست‌فروشی در مترو شهر تهران و راه‌های ساماندهی آن. چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- اسفندیاری، مرضیه؛ دهمرده، نظر و کاوند، حسین. (۱۳۹۲). بازار کار دوگانه در چارچوب یک مدل تعادل عمومی تصادفی برای اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه)، ۱۴(۱). ۲۳۸-۲۱۷. <https://ecor.modares.ac.ir/article-18-10347-fa.html>
- اسفندیاری، علی‌اصغر؛ پدرام، مهدی و مجدم، صادق. (۱۳۹۲). اقتصاد غیررسمی، خانه داری زنان و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی زنان متأهل شهر اهواز). مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۱(۴). ۹۱-۱۱۴. <https://civilica.com/doc/989412/>
- آلتز چن، مارتا. (بی‌تا). زنان در بخش غیررسمی: تصویر جهانی، جنبش جهانی. مترجم: ارغوان رضازاده نیا. فصلنامه دست‌دست، ۱۱(۳). ۲۸-۲۲. <http://dastadast.ir/> زنان در بخش غیررسمی: تصویر جهانی، جنبش جهانی.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و صبوری، رباب. (۱۳۹۷). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در سازمان‌ها و ادارات دولتی شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۴). ۴۶-۲۹. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=313528>
- جعفری‌مهرآبادی، مریم و محمدزاده، ربابه. (۱۳۹۴). ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی (مورد: منطقه ۲ شهر رشت). فصلنامه آمایش محیط، ۱۰(۳۷). ۹۹-۱۲۱. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=295323>
- رستمی، سارا. (۱۳۹۳). بررسی علل و پیامدهای دست‌فروشی زنان در شهر تهران، [پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)].
- رفعت‌جاه، مریم و ربیعی، مرجان. (۱۳۹۵). مطالعه تجربه ایفای هم‌زمان نقش شغلی-خانوادگی در زنان سرپرست خانوار با تأکید بر زنان دست‌فروش مترو. نشریه رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۲). ۱۴۳-۱۸۶. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=360031>
- زرین‌درفش، زهرا سادات. (۱۳۹۴). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی].
- سبقت، افروز. (۱۳۹۳). امنیت اجتماعی زنان، آسیب‌ها و راهبردها. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم].



• شالچی، سمیه و عظیمی، میترا. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی زنانه‌شدن فقر در ایران ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵. پژوهشنامه زنان، ۱۰(۲): ۱۱۳-۱۴۲.

https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_4363.html

• صادقی فسایی، سهیلا و آجرلو، سمیه. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی گرایش زنان به دست‌فروشی (مطالعه‌ی موردی زنان دست‌فروش در مترو). مطالعات جامعه‌شناختی، ۱(۱۹): ۱۱۲-۷۹.

https://jsr.ut.ac.ir/article_56174.html

• صادقی فسایی، سهیلا و رجب لاریجانی، مهسا. (۱۳۸۹). مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۸(۳): ۱۱۱-۱۳۴.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=150917>

• کار، مهرانگیز. (۱۳۸۰). زنان در بازار کار ایران. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
• لاریجانی، محمد جواد. (۱۳۶۹). مقولاتی در استراتژی ملی. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
• مجردی، سعید. (۱۳۹۱). اینترنت و امنیت اجتماعی. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

• محمدیان مصمم، حسن؛ احمدی، لیلا و رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۵). کنکاشی در پدیده دست‌فروشی زنان در متروی کلان‌شهر تهران. اقتصاد و مدیریت شهری، ۶(۲۱): ۸۱-۶۷.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1377776>

• میرحسینی، ز. و جهان بخش، ح. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر مولفه‌های کالبدی بافت تاریخی بر امنیت محیطی گردشگران (مطالعه موردی: محله چرخاب شهر اردکان). هویت شهر، ۱۰(۲۸): ۸۹-۱۰۴.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=347634>

• میروسی نیک، صادق (۱۳۹۴). توسعه انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت‌آمارتیاسن. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۴): ۴-۷۲.

<https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=254700>

• ناطق‌پور، محمد جواد. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی از نگاه توسعه، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.

• نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین‌زاده، حسین و حسینی، سیده‌هاجر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱(۴۰): ۷۳-۹۶.

https://jas.ui.ac.ir/article_18208_5b92bd991a8ad5f3a26d7a84259858be.pdf

- وایت، راب ؛ هینز، فیونا. (۱۳۸۶). مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی جرم و جرم شناسی، ترجمه: علی سلیمی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ولی پور زرومی، سیدحسین. (۱۳۸۳). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Alter Chen, M. 2013. Women in thr informal sector: A Global picture, the Global movement. WIEGO.1-10.
- Avirgan, T., Gammage, S., & Bivens, J. (2005). Good jobs, bad jobs, no jobs: Labor markets and informal work in Egypt, El Salvador, India, Russia, and South Africa. Washington: Global Policy Network, Economic Policy Institute.
- Chen, M. A. (2012). The informal economy: Definitions, theories and policies. Women in informal economy globalizing and organizing: WIEGO Working Paper, 1.
- Downs, R. W., & Robertson, j. F & Harrison, L. R. (1997). Control Theory, Labeling Theory and the Delivery of Services for Drug Abuse to Adolescents. Adolescence: Spring, 32, 125, 1- 24
- Johnson, M. (2001). Criminal Justic System Involvement. [Ph.D. Thesis. Iowa State University].
- La Hovary, C. (2013). The Informal Economy and Decent Work: A Policy Resource Guide, supporting transitions to formality. International Labour Office.
- Laver, R.H. & Lavre, J.C. (2002) Social problems and the Quality of life, United states of America: Mc Grow Hill.
- Liu, X. (2000). The Condition Effect of Peer on The Relationship Between Parental Labeling and Youth Delinquency. Sociological Perspectives. 43, 3, 499- 514
- Mahadevia, D, Vyas, S, Mishra, A. (2014). Street Vendors in Ahmedabad, India. IEMS (Informal Economy Monitoring Study). March. Accessed 1393-11-12. www.wiego.org.
- Ndhlovu, P. K. (2011). Street vending in Zambia: A case of Lusaka District Erasmus University.
- Recio, R. B., & Gomez Jr, J. E. A. (2013), Street vendors, their contested spaces, and the policy environment: A view from Caloocan, Metro Manila. Environment and Urbanization Asia, 4(1), 173-190.



- Roever, S. 2011. Women in Informal Employment: Globalizing and Organizing. How to Plan a Street Trader Census. February. Accessed: www.wiego.org: 1393.11.23
- Smith, S. (2002) “Don’t Put My Name on It”: Social Capital Activation and Job-Finding Assistance among the Black Urban Poor”, American Journal of Sociology (AJS), 111(1):1-57.
- Tepperman, L. & Rosenberg, M. (1998) Macro Microia Brief Introduction of Sociology, 3rd, CaNADA, PRETIC Hall.